



ناصر میرد
پژوهشگر و کارشناس موسیقی

دلکش مرد؟ نه ... دلکش هرگز نمی میرد!

جامعه هنری ما، که متاسفانه بسیاری از سردمدارانش وارد بازیهای سیاسی و حسابگرانه شده‌اند. چه بی‌رحم و مروت شده تا آنجا که به خاطر پاره‌یی ملاحظاته از خانمی مانند دلکش. که نقطه سیاهی در زندگی هنری اش نبوده. پس از مرگش هم تجلیل نمی‌کند. لابد استدلال این است که این خانم، به موقع هم مورد استقبال و تجلیل قرار گرفته و هم بابت آنچه اجرا کرده به پول و ثروت کافی دست یافته، پس دیگر چه تجلیلی؟!

در جامعه‌ای که نمی‌تواند یا می‌تواند و نمی‌خواهد امثال دلکش را آن طور که شایسته‌اند بپذیرد، تجلیل دو ساعته و چند سخنرانی برای رفع تکلیف چه معنایی جز بی‌اعتنایی به هنرمندانی که با دو خط آواز و یک بند تصنیف، می‌توانند اشک میلیونها انسان را بر گونه‌هایشان جاری کنند یا لبخند طولانی شادی و نشاط بر لب‌هایشان بنشانند داشته باشد؟

من، ده ساله بودم که با صدای دلکش بیست ساله آشنا شدم و سالها با این صدای خوب و نافذ زندگی کردم و حالا هم در هفتاد سالگی خبر مرگ تاسف‌آور بانوی هشتادساله آواز ایران را می‌شنوم.

اما هر چه روزنامه‌ها را ورق می‌زنم و به رادیو گوش می‌دهم و تلویزیون تماشا می‌کنم عکس و خبری از دلکش بزرگوار، نه می‌بینم و نه می‌شنوم. جز چند سطر کوتاه در یکی دو روزنامه‌یی که بیچاره‌ها کبریت‌های بی‌خطر هستند و مانند طفلان معصوم، گاهی از سردرد، ناله‌یی سر می‌دهند و بعد با یک تشر یا نیشگون، از ترس ساکت می‌شوند.

راستی، در جامعه امروز هنری، چه دستگه یا نهادی را می‌شناسیم که سعادت و شایستگی تجلیل از بانوی هنرمندی در سطح خانم دلکش را داشته باشد؟ مگر او در موسیقی ما کم جایگاهی داشت که هر مسؤول نازلی بتواند هنر گرانتقدر او را پاس بدارد؟ آیا خانه موسیقی، شورای موسیقی، صدا و سیما و ... و ... در حد و اندازه‌هایی هستند که بتوانند راجع به دلکش چیزی بگویند؟ آیا مطبوعات جرات و قدرت این را دارند که آنهمه روزمره‌گی آگهی‌زا و نان و آب‌دار را رها کنند و به دلکش بپردازند؟ نه دارند و نه دارند. بگذارید دلکش را آن طور که بود به نسل امروز بشناسانیم که دریغ است این چهره درخشان عرصه موسیقی قرن، برای جوانترها ناشناخته بماند. لاقلاً، حالا که مرده است ۳۰ ساله‌های امروزی هم بدانند

که دلکش وقتی می‌خواند، مملکتی ساکت می‌شد تا صدای او را بشنود. هر چند که دلکش از لحاظ قدرت و وسعت صدا در حد و اندازه‌های قمرالملوک وزیری نبود، اما خواننده‌یی بود که همه بزرگان موسیقی او را بالاتر از خود و بقیه می‌دانستند و آفتابی بود درخشان که هیچ لایه ابری نمی‌توانست ستیغ‌های طلایی آن را بپوشاند.

آری، خانم دلکش در غروب روز چهارشنبه یازدهم شهریور ۱۳۸۳ در تهران مرد و بعد از چهار روز معطلی، جنازه او در امامزاده طاهر کرج در جوار بزرگان موسیقی سنتی ایران یعنی پوران، قوامی، بنان و ... برای همیشه به خاک سپرده شد. همانطور که قبلاً قمر مرد، روح‌انگیز و پوران و هایده و سوسن مردند. همان گونه که وزیری، بنان، قوامی، صبا، شهنازی، خوانساری و ... بقیه مردند و همانطور که بعدها، دیر یا زود، همه خواهیم مرد. راستی صاحبان این نواهای خوش می‌میرند؟ پس معنی شعر زنده یاد فروغ فرخزاد چه می‌شود که می‌گوید:

تنها صداست که می‌ماند. صدا ...
صدا ... صدا

صدای خواهش شفاف آب به جاری

شدن

صدای ریزش نور ستاره بر جدار

مادگی خاک

صدای انعقاد نطفه معنی و بساط ذهن

مشترک عشق ...

چگونه می‌توان پذیرفت که صدای روح نواز این بزرگان ساز و آواز ایران زمین مرده است؟ در حالی که در کاشانه هر اهل دلی ده‌ها صفحه و نوار و CD از صدای این همیشه عزیزان را می‌توان یافت.

این درست که ۴۵ سال قبل خانم دلکش در تصنیف آشک سپهر^۱ به سرایندگی بیژن ترقی و به آهنگسازی پرویز یاحقی گفته است:

شبم پاکم به عالم خاکی چرا افتادم

بخت نگون بین که در کجا بودم ...

کجا افتادم

من همه نورم، به عالم فانی چرا رو

کردم

با تن سوزان ز چشمه نوش بقا افتادم

آیا واقعاً دلکش مرده است؟ من که صدای او را همیشه در گوش جان دارم نمی‌توانم قبول کنم که او از میان ما رفته است.

"عصمت باقرپور پنبه فروش" در پاییز سال ۱۳۰۴ در شهرستان هنرپرور و انسان‌ساز بابل چشم به دنیایی گشود که نه خود می‌دانست و نه پدر و مادرش می‌توانستند باور کنند که روزی دختر نحیفشان صاحب برترین و زیباترین صدای آوازی ایران خواهد شد.

از همان سالهای کودکی، صدای خوش عصمت، گوش نواز بچه‌های محل و مدرسه بود و هرگاه چهار کودک دور هم جمع می‌شدند، حتماً پنجمی او بود و برنامه کنسرتی که صبح و عصر نمی‌شناخت و تعطیل بردار هم نبود، اجرا می‌شد. عصمت می‌خواند و بچه‌ها دست می‌زدند و پای می‌کوبیدند. کمی که بزرگتر شد، در محافل خانوادگی، رونق بخش دل‌های افسرده بود و با یک اتفاق ساده^۲ در میهمانی جمعی از دوستان، با جمشید شبیانی، که آن روزها در زمینه موسیقی جاز و به قول امروزی‌ها "پاپ" دستی داشت. آشنا شد و در اندک



زیر مربوط به خواننده زن است. قدرت و وسعت صدای دلکش وقتی با فراز و نشیب‌های آوازی و انعطاف‌پذیری‌ها و تحریرهای به جا، آمیخته می‌شد، شنونده را میخکوب می‌کرد.

استاد حسین قوامی عقیده داشت که دلکش تنها خانم خواننده‌ی است که هرگز "فالش" (خارج) نخوانده و همه ملودی و کلام را صحیح اجرا کرده و هیچگونه لغزشی در تحریرها و سکوت‌ها و سایر ظرافت‌ها و ریزه‌کاریهای خوانندگی او شنیده نشده است.

زنده یاد محمودی خوانساری بر این باور بود که بسیاری از خوانندگان مرد باید بنشینند و با گوش سپردن به آواز دلکش راه و رسم صحیح خواندن را بیاموزند و عجیب این که دلکش نه سولفز می‌دانست و نه از روی نوشته می‌خواند.

یک شب در میهمانی خصوصی خانم الهه (زمستان ۱۳۴۰) که جمعی از بزرگان شعر و موسیقی حضور داشتند بنده به عنوان نویسنده هنری روزنامه کیهان و شاگرد آوازی استان بنان از خانم دلکش پرسیدم آیا از این که ملودی یا شعر را اشتباه بخوانید هراسی ندارید؟ چرا سعی نمی‌کنید سلفژ بیاموزید؟ فکر نمی‌کنید یک اشتباه باعث خوشحالی رقبای شما بشود و برایتان مضمون کوچک کنند؟

در حالی که خنده همیشگی را بر لب داشت صمیمانه گفت:

ببین، ناصرخان! آن‌های بی‌سواد و کم‌ادعا چون در کارشان احساس مسوولیت بیشتری دارند معمولاً کمتر اشتباه می‌کنند. اشتباه مال تحصیلکرده‌هاست! گفتم عجب استدلالی.

خنده طولانی‌تری کرد و گفت: بله قربان، به ما می‌گن عصمت خانم، نه برگ چغندر!!

استاد علی تجویدی، که متأسفانه در حال حاضر از کهولت ۸۵ سالگی رنج می‌برد، در آن زمان که ۴۵ سال بیشتر نداشت معتقد بود که هیچ خواننده‌ی به خوبی خانم دلکش قدرت فراگیری شعر و آهنگ و تلفیق صحیح این نو را ندارد و اگر موجباتی فراهم

مدتی آنچنان مستعد، جلوه‌گری کرد که صحنه پاپ برایش چون قفسی تنگ بود و اوج درخشش زمانی آغاز شد که موجبات آشنایی او با مهدی خالدی استاد و آهنگساز بزرگ موسیقی سنتی فراهم آمد و این سرآغاز شصت سال یک تازی در آسمان پرستاره موسیقی ایران شد. طی این همکاری، تصنیف‌ها و ترانه‌های بسیاری برای دلکش ساخته و اجرا شد که هنوز بعد از گذشت بیش از پنجاه سال همه آنها زیبا و شنیدنی است.

بعدها بزرگانی چون علی تجویدی و پرویز یاحقی و حبیب‌الله بدیمی آهنگهای متعددی برای خانم دلکش ساختند که با اجرای آنها تحولی چشمگیر در عرصه موسیقی سنتی ایران بوجود آمد و اگر گفته شود که این تحول، نقطه عطفی در موسیقی مملکت شد سخنی به گزاف گفته نشده است.

آن گونه که اهل موسیقی می‌دانند خانم دلکش تنها صدای "چپ کوک" زنانه‌ی بود که در خوانندگی "راست کوک" هم تبحر داشت و به قول زنده یاد استاد غلامحسین بنان وقتی دلکش می‌خواند انگار که ترانه‌ی دو صدایی اجرا می‌شود و شنونده تصور می‌کند که صدای بم مربوط به خواننده مرد و صدای

شود که خانم دلکش برای تحصیل در رشته موسیقی به اروپا و به خصوص به اتریش سفر کند نایبه بزرگ موسیقی قرن خواهد شد و قادر خواهد بود بسیاری از هنرآموزان آواز را تا استادی ارتقا بخشد.

گله از دوستان

و یک خاطره خوش!

حدود شش ماه قبل که به اتفاق تنی چند از هنرمندان برای عیادت و عرض ارادت به حضور بزرگ بانوی آواز ایران رسیدم، حال چندان مساعدی نداشتند اما با این وجود جفای دوستان را خوب به یاد داشتند و می گفتند:

بگنیم که برخی از دوستان کمتر به فکر من هستند، تا اینجای کار اشکالی ندارد. اما چرا وقتی تصنیف‌های مرا می‌خوانند احساس مسوولیت نمی‌کنند و شعر و آهنگ را غلط می‌خوانند و با کمال جسارت و شهامت غلط خواننده‌هایشان را البوم می‌کنند و به بازار می‌فرستند. اینها فکر نمی‌کنند که قدیمی‌ها هنوز تصنیف‌های مرا در ذهن دارند و غلط خواندنشان باعث پایین آمدن ارزش و احترام کارشان می‌شود. من که یک بانوی کم‌سواد بودم، هرگز هیچ سروده‌یی را غلط نمی‌خواندم و آقای معینی کرمانشاهی سراینده اغلب تصنیف‌ها و ترانه‌های من شاهدی بر این مدعا هستند.

بانوی اول آواز ایران که خاطرات زیادی از دوران فعالیت هنری خود داشتند می‌گفتند:

روزی با آقای قوامی گفتگویی داشتم با این مضمون که بالاخره بهترین خواننده مرد ایران کیست؟ شما یا آقای بنان و یا آقای محمودی خوانساری یا ... آقای قوامی خنده‌کنان گفتند:

کاش می پرسیدی بهترین خواننده زن کیست تا خیلی راحت جوابت را بدهم. من چگونه می‌توانم درباره خود با دیگر خوانندگان مرد، باب مقایسه باز کنم؟

گفتم: بسیار خوب، بهترین خواننده زن کیست؟
لطفاً خیلی زود جواب بدهید!
آقای قوامی بدون تأمل و درنگ گفت: تو او را بهتر از هر کسی می‌شناسی، چرا نمی‌خواهی راحت بگویی دلکش! گفتم دلکش!

زنده یاد دلکش، در طول دوران شصت سال خوانندگی، بیش از نوبست‌تصنیف و ترانه و آواز خواند که منصفانه باید گفت یکی از یکی بهتر و دلنشین‌تر بود که اشاره به فهرست آنها خود فضای مناسبی را طلب می‌کند. شعرایی که برای دلکش سرودند در درجه اول استاد معینی کرمانشاهی، و سپس استاد بیژن ترقی، استاد نواب صفاء، ناصر شریفی، پرویز خطیبی، رضا جلیلی، کریم فکور، رهی معیری و حسین مسرور بودند. آهنگ‌سازان برجسته‌یی که بیشترین آهنگ‌ها را برای صدای دلکش ساخته‌اند عبارت بودند از مهدی خالدي، علی تجویدی، پرویز یاحقی و حبیب‌الله بدیعی.

یکی از زیباترین تصنیف‌های خاطره‌انگیزی که خانم دلکش خواند، با شعر معینی کرمانشاهی و آهنگسازی استاد علی تجویدی بود با نام "کودکی" که هر صاحب‌دلی آهنگش را به یاد داشته باشد و شعر را با آهنگ زمزمه کند، بدون شک حسرت‌دوران کودکی خود را خواهد خورد. شما چطور؟

یا ... دم آمد ... شوق روزگار کودکی ...
مستی بهار کودکی ...
آنهمه صفای دل که بود ... خفته در

کنار کودکی ...

رنگ گل، جمال دیگر در چمن داشت ...

آسمان، جلال دیگر پیش من داشت ...

شور و حال کودکی ... بر نگرده ... دریغا

قیل و قال کودکی ... بر نگرده ... دریغا

به چشم من همه رنگی فریبا بود ...

دل دور از حسد من شکیبیا بود.

نه مرا سوز سینه بود ... نه دلم جای

کینه بود.

شور و حال کودکی ... بر نگرده ... دریغا

قیل و قال کودکی ... بر نگرده ... دریغا

روز و شب، دعای من، بوده با خدای

من.

کز کرم کند حاجتم روا

آنچه مانده از عمر من به جا ...

گیرد و پس دهد به من دمی

مستی کودکانه مرا ...

شور و حال کودکی ... بر

نگردد ... دریغا ...

قیل و قال کودکی بر نگرده ... دریغا.

روانش شاد و یادش گرمی باد

آنچه مهم است اینکه در کشور ما "باربد" هم

بوده است، "دلکش" هم بوده است. "تخت جمشید"

هم بوده است، نسل ایرانی به‌ویژه بالای ۳۰ سال

دلکش را می‌شناسد. مطلب فوق‌نگاهی دارد به

مسیر کاری و هنری یک هنرمند ایرانی.

آرامکس

ARAMEX

International Courier & Cargo

حمل و نقل هوایی بین‌المللی

E-mail: aramex_tehran@hotmail.com
www.Aramex.com

تلفن : ۶۴۰۳۹۴۰ فاکس : ۶۴۰۴۳۹۶